



• سه‌شنبه۲۷ شهریور ۱۳۹۷ • شماره ۱۱۴۱

حدیث‌روز

امام حسن عسکری (ع): چه بد بنده ای است بنده ای که دورو و دوزبان باشد.

تحف العقول

ذکر روز سه شنبه

صد مرتبه «یا رحیم الرحمن»

در محضر بزرگان

ربط عاشورا با بحث ولایت

حجت الاسلام دکتر رفیعی می فرمایند:

« گاهی مردم می پرسیدند این ثواب های عجیب و غریب که برای گریه ابا عبا... (ع) آمده است برای چیست؟ دلیل آن همین است که ائمه احساس کردند که زهد گسترش پیدا کرده است اما ولایت، امامت و قضیه عاشورا فراموش شده. لذا قضیه را با این روایت محکم کردند. حالا می پرسند که قضیه ولایت چه ربطی به عاشورا دارد؟ ربط آن این است که ما وقتی در قضیه عاشورا می بینیم که امام به عنوان رهبر یک نهضت به شهادت رسیده اند و آن هم برای چه به شهادت رسیده اند، برای این که این نهضت حفظ شود، حال اگر این امام فراموش شود امام صادق (ع) هم فراموش می شود، امام باقر (ع) هم فراموش می شود، کلا خط امامت فراموش می شود.»

برگرفته از سخنرانی

بریده کتاب

کلمه‌ای هراس انگیز

به زودی. به زودی. به زودی. به زودی. این به زودی کی خواهد بود؟ چه کلمه هراس انگیزی است این به زودی. به زودی ممکن است یک ثانیه دیگر باشد. به زودی می تواند یک سال طول بکشد. به زودی کلمه ای است هراس انگیز. این به زودی، آینده را در هم می فشارده، آن را کوچک می کند و دیگر هیچ چیز مطمئنی در کار نخواهد بود. هر چه هست دودلی و تزلزل مطلق خواهد بود. به زودی هیچ نیست و به زودی به‌جس چیزهایی است. به زودی همه چیز است. به زودی مرگ است.

بر گرفته از «قطار به موقع رسید، اثر هایزنریش بل

فارسی نویسییم

چک نویس یا چرک نویس؟

اسماعیل فریدونی

به هادی گفتم: «متن قرارداد رو پاک نویس کردی»
«باخدا داد: تازه چک نویس اون حاضر شده... صحبت هادی را بریدم و گفتم: «چک نویس غلطه، بگو چرک نویس.»
هادی جواب داد: «نه بابا، چک درسته، همه می گن چک نویس.»
گفتم: «نه عزیزم، اول چرک می نویس، بعد اون رو پاک نویس می کنن.»
«چرک» رو به روی «پاک»! یک دفعه چشم هایش برق می زدو گفت: «آهان، از اون نظر، بله درسته. باور کن من بی گناهم. این جور کلمات رو دیگران سر زبون من می اندازن.»
گفتم: «خب این دفعه تو جای دیگران رو پر کن.»
هادی خنده ای کرد و گفت: «چه شود!»

سخن بزرگان

• مرد بی شهامت کسی است که در جایی که باید اعتراف کند خاموش بنشیند.

• برای این که دوست پیدا کنی باید خود را لایق و آماده دوستی بار بیاوری.
موروا
• زندگی مانند کودکی است که اگر می خواهی بد خواب نرو، پیوسته باید او را سرگرم داشت.

برگرفته از «رهنمون» اثر غلامحسین ذوالفقاری

قرارمدار



اندکی صبر

فصل‌ها

شقایق سهندی

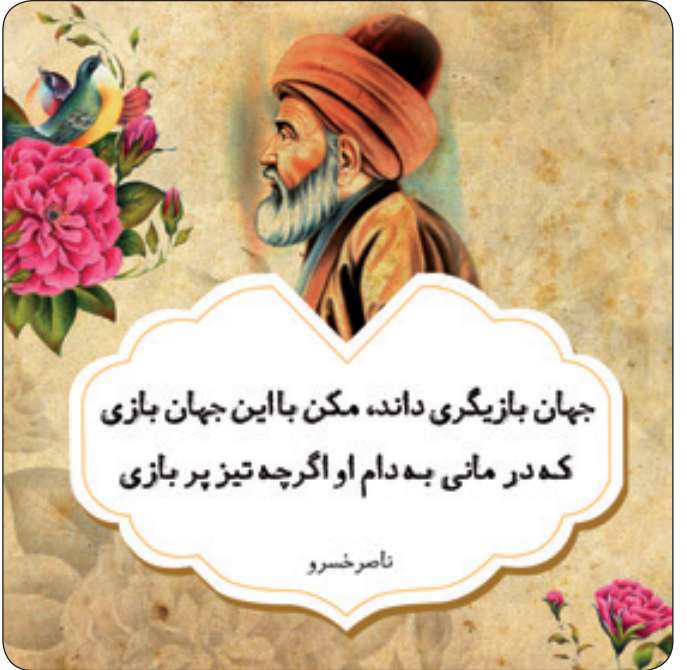
تهنایی ام وسعتی دارد
در پناه برگ های پاییزی
از شهریوری که
به خزان دوری تو پیوند خورده
و اگر نفسی مانده برایم
فصل نورادی، در تاپستان
آشنایی تو معنا کرده برایم...

دنیا به روایت تصویر



گتی ایمیج| امداد رسانی در توفان هنگ کنگ

پند نیکان



با کاروان کربلا

مسلم بن غوسجه اسدی

اولین بیعت کننده، اولین شهید

همه ما از کودکی با شنیدن ماجرای کربلا بزرگ شده ایم. ذکر مصیبت های عاشورا در جان مان پیچیده و تک تک وقایع «روز واقعه» جلوی چشمان مان جان گرفته است. در این سلسله مطالب می خواهیم با کاروان کربلا همسفر شویم و با شخصیت های تاثیر گذار صحرای کربلا که کمتر می شناسیم شان یا حتی اصلا نام شان به گوش مان نخورده است بیشتر آشنا شویم.

مسلم از اصحاب امام علی (ع) و امام حسین (ع)، اهل کوفه بود. وی رسول خدا(ص) را دیده و روایاتی از ایشان نقل کرده است. مسلم امر دی شریف، عابد و اهل مروت و سخاوت دانسته اند. او مردی شب زنده دار و اهل عبادت بود که در مسجد کوفه در کنار ستونی همواره به عبادت و مناجات می پرداخت.

مسلم بن عقیل هنگامی که وارد کوفه شد، اول به خانه مسلم بن عوسجه رفت. مردم کوفه در آن جا به دیدار می رفتند و با اماما حسین (ع) بیعت می کردند. مسلم بن عوسجه بعد از شهادت حضرت مسلم، مخفیانه می زیست؛ تا این که خبر ورود امام (ع) به کربلا منتشر شد و به همراه حبیب بن مظاهر و اهل و عیالش به سرعت به قافله حسینی پیوست. نقل شده است جوانی که روز عاشورا از خیمه هایبرون آمد تا امام حسین (ع) را یاری کند و مادرش نیز در پی او بود، همان خلف، پسر مسلم بن عوسجه بود که او هم به شهادت رسید.
در شب عاشورا زمانی که امام حسین (ع) بیعت را از یاران خودبر داشت، بعد از جوانان بنی هاشم، مسلم بن عوسجه اولین کسی بود که بلند شد و گفت: «ای ابا عبا...! آیا ما تورا ها کنیم؟ آن گاه در مورد ادای حق تو در پیشگاه الهی چه عذری بیاوریم؟ نه، به خدا. ما هرگز تورا ها نمی کنیم. دست از تو بر نمی دارم تا این که نیزام را به سینه های دشمن بکوبم و با شمشیر خود آنان را آن قدر بزنم تا شمشیر از دستم بیفتد و بعد از آن اگر هیچ سلاحی نداشته باشیم، دشمن را سنگ باران خواهیم کرد.»

به گزارش شیخ مفید در روز عاشورا، یاران امام حسین (ع) برای حفاظت از پشت خیمه ها خندقی آماده و در داخل آن آتش روشن کرده بودند. وقتی که شمر بن ذی الجوشن آتش را دید، بین او و امام حسین (ع) سختانی رد و بدل شد. مسلم بن عوسجه از امام (ع) اجازه خواست تا شمر را با نیز بزند. امام اجازه نداد و فرمود: «اورا زن من دوست ندارم آغازگر جنگ باشم.»

رجز مسلم بن عوسجه در روز عاشورا این بود: «اگر در باره من بپرسید، همانا من دارای شجاعت شیرم و نسیم از قبیله بنی اسد است. کسی که بر من ستم روا دارد، از حق، منحرف شده و به خدای بی نیاز، کفر ورزیده است.» در اولین حمله دشمن و درگیری، مسلم مجروح شد. امام حسین (ع) و حبیب بن مظاهر بر سر تورا رحمت کند، «و حبیب گفت: «اگر شهادتم نزدیک نبود، دوست داشتم آن چه برایت مهم است به من وصیت کنی تا حق دینی و خویشاوندی خود را ادا کرده باشم.» مسلم بن عوسجه به امام (ع) اشاره کرد و به حبیب گفت: «تورا وصیت می کنم به این شخص، خدای رحمت کند تا جان در بدن داری از او دفاع کن و از یاری اش دست مکش تا کشته شوی.»

او را نخستین شهید کربلا دانسته اند. امام حسین (ع) سوگند یاد کرده از رستگاران است و همچنین کسانی که در قتل او شرکت داشته اند، مورد لعن امام (ع) قرار گرفته اند. در زیارت امام حسین (ع) در نیمه شعبان، زیارت ناحیه مقدسه و دعای رجبیه نیز نام وی آمده است.

منابع:ویکی شیعه، پایگاه اطلاع رسانی حوزه

سه نقطه



طرح خوار استواری



گاردین| جدال با طعمه

فتونکته



دور دنیا

کشف یک ابوالهول جدید در مصر



نیوزویک - وزارت آثار باستانی مصر در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است یک هیئت باستانی مصری روز یک شنبه موفق شد مجسمه جدیدی از ابوالهول را در معبد «کوم آمبو» واقع در شهری به همین نام در استان اسوان کشف کند. وزارت آثار باستانی مصر همچنین اعلام کرد، جنس این مجسمه اند «ماسه سنگ» است و به

دوران «پتملیوس» ۳۰۵ سال پیش از میلاد با می گردد.

خلاقت در طراحی پل طبیعت

تا کسل - معماران همیشه به دنبال ایده های خلاقانه و جدیدی برای طراحی هایشان هستند اما طراح یک پل عابر پیاده، با طراحی منحصر به فردش حسایی مشهور شده است. پل «کوئنگ» در ویتنام در میان طبیعت قرار دارد و طراحی آن به گونه ای است که دستانی بزرگ آن را از وسط گرفته اند. «ماسه سنگ» است و به دوروی آن ها خزّه بسته شده است.

دلیل عجیب خون ریزی مرد چینی



که این حشره سه ماهه است در بدن این فرد زندگی می کند. بیمار جوان می گوید سه ماه پیش برای گشت و گذار وارد رودخانه ای شده و با دوستانش آب تنی کرده و احتمالاً زالوهم از همان موقع در بدن او مهمان شده است.

بزرگ ترین پاک سازی داوطلبانه ساحلی



بورد پاند-۱ - شهروندان هندی در یک اقدام داوطلبانه سواحل این کشور را که پوشیده شده از پلاستیک و آشغال است، پاک سازی می کنند. سال هاست که لاک پشته ها برای تخم ریزی دیگر به سواحل بمبئی نمی آیند. یک وکیل و فعال محیط

زیست پوش پاک سازی دسته جمعی را به راه انداخت و بیش از سه هزار دانشجو در مدت ۵۸ هفته پنج میلیون کیلو گرم پلاستیک و آشغال را از سواحل جمع کرده اند. حالا ساحل کشور به قدری پاک و تمیز شده است که با عکس های قبلش قابل مقایسه نیست.

عکس های بهت آور از فضا

اینورس - در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هنگام وقوع حملات به برج های دوقلو مرکز تجارت جهانی، فرانک کالبرتسون تنها آمریکایی در فضا و در حال ماموریت در ایستگاه فضایی بین المللی ISS بود. او در حالی که از فاجعه رخ داده گیج شده بود، تصمیم گرفت مشاهداتش را از این واقعه در فضای خارج از زمین ثبت کند. به گفته

او در لحظه وقوع حادثه دود سیاه رنگ غلیظی به صورت یک ستون از جنوب شهر بیرون می زد

که نمی دانست چه اتفاقی افتاده است. خیلی زود ابر سیاهی تمام آسمان منهتن را در بر گرفت.

برای کالبرتسون درناک تر این بود که بعداً فهمید یکی از همکلاسی هایش در دانشکده،

خلبان هواپیمای ر پوده شده ای بود که به ساختمان پنتاگون زد شده. این عکس ها به تازگی

منتشر شده است.

شعر آیینی

قبله دل‌ها

شریفه آیتی

شش گوشه این دل همه احساس حسین (ع) است
در روی زمین عطر گل یاس حسین (ع) است
آب است غریبانه به دنبال ابوالفضل (ع)
خجلت زده از دیدن عباس حسین (ع) است
همسنگ دلش، عشق به مقیاس حسین (ع) است
همسنگ نفسی، از دل انفاش حسین (ع) است
عینس باغ پر روده شده ای بود که به ساختمان پنتاگون زد شده. این عکس ها به تازگی
منتشر شده است.



فرانس پرس| داوید سیلوا به همراه یک طرفدار ۱۰۲ ساله تیم منچستر سیتی از تونل رختکن وارد زمین شد

تغال

زهی خجسته زمانی که بار باز آید
به پیش خیل خیالش کشیدم ابلق چشم
بهان امید که آن شهسوار باز آید
بدان امید که آن شهسوار باز آید

خاطرات پیک موتوری

ذاکر منادی احساس

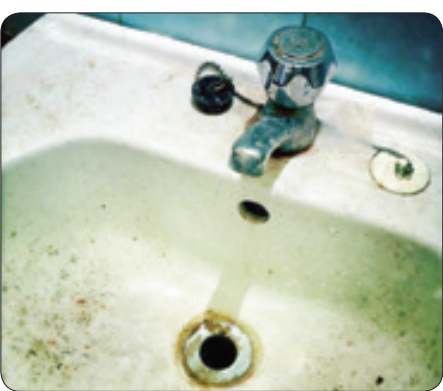
ناصر علیرضایی

برنگشت و نتوانستم بخوانم. از آن زمان به بعد همیشه آرزو داشتم باز هم بتوانم در مجلس عزای امام حسین (ع) بخوانم. امسال هم محرم داردمی آید... «حرفش را نیمه تمام گذاشت و آرام آرام اشک هایش را پاک کردورفت. مدتی نندیدمش. محرم از راه رسید. طبق معمول، شب ها به مجلس روضه خوانی و عزاداری می رفتم وروزها به دنبال کسب و کار. در این میان گاهی که به حرم حضرت رضا (ع) می رفتم، به یادآن مسافر مداح هم می افتادم و برایش دعایي کردم که سلامتی اش را باز یابد. تا این که شب تاسوعا وقتی وارد مجلسی شدم در او تاباوری همان مرد را دیدم که برای خواندن آماده می شد. مات و مهموت مانده بودم و منتظر شدم ببینم مستمعان چطور از صدای زمخت او استقبال خواهند کرد. جای همیشگی نشستم. جمعیت بیشتر از شب های قبل بود. دلم می پیید ببینم چه می شود تا این که مراسم شروع شد. گویا قرار بود یک بار دیگر عنایت اهل بیت (ع) را به چشم خودم ببینم. او شروع به خواندن کرد و من هیچ گاه آن صدای روح نواز و آسمانی را فراموش نخواهم کرد:

وقتی سکنینه مداح عباس می شود
هر ذاکری منادی احساس می شود...
محشری به پا شد و چشمی نبود که نگرید.
غوغایی به پا شد و مجلس تا نیمه شب ادامه داشت.

ترسانک

چشم‌ها



در حال مسواک زدن بود که صدایی توجهش را جلب کرد. خوب که دقت کرد متوجه شد صدا از داخل دهانه سینک است. شیر آب را بست، گوشش را نزدیک کرد، تا ناگهان چند مگس با سرعت از سوراخ سینک خارج شدند. تعجب کرد که مگس داخل لوله آب چه می کند؟ یکی از مگس ها روی آینه بالای شیر آب نشست؛ در دست روی تصویر چشمش در آینه. در یک لحظه احساس کرد مگس روی آینه واقعا کنار مردمک چشمش حرکت می کند. دستی به صورتش کشید، انگار تصویر مگس روی آینه روی صورتش زنده شده بود. سعی کرد مگس را دور کند، روی سینک خم شد تا مگس را داخل دهانه سینک بیندازد که برق نگاهی در سیاهی سوراخ سینک درخشید و نفسش را بند آورد. سردی دستانی را حس کرد که از زیر کابینت پاهایش را فشار دادند... چشم هایش را بست و فریاد زد... احساس کرد پاهایش را هاشدند. چند ثانیه بعد چشم ها باز کرد. در مکانی نمور و تاریک بود که هیچ شباهتی به آشپزخانه اش نداشت. سردی زمین را با تمام وجود احساس می کرد. چند متر آن طرف تر در تاریکی همان چشم ها دوباره برق می زد. چشم هایی که از سفید به قرمز تغییر رنگ می داد... لحظاتی بعد خودش را از بالا دید، تصویرش روی زمین کوچک و کوچک تر می شد...

سید مصطفی صابری

ماوشما

راه‌های ارتباطی با ما: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰ و ۰۲۱۵۲۰۳۹۱۵۲۰۹۲ تلگرام

• بود. هم جذاب بود و هم به مادر س میده که از نابیناش گزارش می کنده! آقا باز تاثیر گذار بود. کاش اونایی که مادر دارن قدرشون رو بدونن. لطفاً برای خدای روح مادر من و بقیه مادر هام دعا کنین.
• همسز عزیزم زهرا جان، سالروز تولدت و سالگرد ازدواج مان گرامی. از این که خداوند همسری مهربان نصیبم کرده، شا کرم و همین که در کنارم هستی، بسیار خوشبختم.
فرهاد حتمی
• خدا خیرتان بدهد با مطالب محرمی که هر روز در صفحه همشهری سلام چاپ می کنيد. دل‌ها را روانه کربلا می کنيد. اگر شما با صاحب این روزها. التماس دعا
• در پرونده مخترعان، درباره کارل بنز کم لطفی کردین، مگه میشه ناشناخته باشه و کسی ایشون و نشناسه؟
• غالب است پایین صفحه همشهری سلام می نویسید نظرات و پیشنهادها تون را در میان بگذارید، بعد به نظرات و انتقادهای مخاطبان تون که هر روز در ستون ما و شما، چاپ می شود، ترتیب اثر نمی دهید!
• **پیام صرفه جویی:** زیاد کردن بیش از حد شعله اجاق گاز و گذاشتن ظروف کوچک روی شعله‌های بزرگ و ظرف‌های بزرگ روی شعله‌های کوچک، از مهم‌ترین اشتباه‌هایی که مرتکب میشیم، در ضمن حواس تون باشه شعله اجاق باید آبی بسوزه.

زندگی سلام تکانی

دوستان عزیز! بیهون بگید کدوم بخش‌های زندگی سلام رو بیشتر دوست دارید؟
کدوم یکی از مطالب زندگی سلام توی ذهنتون مونده؟
تو جیح می دین تون این چهار صفحه چی بخونید و چی نخونید؟
نظرات و پیشنهادها تون رو هر روز بین ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰ به دبیر ضمیمه زندگی سلام، سیدمصطفی صابری، بگید. این شماره ماست: ۰۹۳۲۶۶۰۹۱۳۲۰۵